



نکاتی از کنفرانس "فلسفه در زمان جنگ"



یادداشت نگارنده: این گزارش گونه – بهتر است بنویسم این "نگاه" - به کنفرانس مهم در سوربون پاریس توسط این قلم نبشته و تهیه شده است که اصلاً اهل حوزه فلسفه نمی باشد، به این جهت لطفاً دیدگاه و زبان آفاقی و غیر تخصصی فلسفه در شیوه کارش را طبیعی و عادی تلقی نمایند.

فلسفه آنچه که در باره اش ثبت کرده اند؛ اندیشیدن و شرح جهان، هستی و پدیده های آن است، شرح با کیفیت یک شناخت، یک تشخیص، یک دریافت، جست و جوی یک مفهوم و حتی به نحوی یک استنباط . گرچه موضوع اساسی فلسفه را بحث روح و ماده و قسماً هستی شناسی "ontologie" و پدید آمدن جهان و هستی میدانند، اما دامنه محتوایی یا موضوعی فلسفه چنان فراخ است که می توان آنرا بستر بحث تمام حوزه ها نامید و یا حتی در آن مباحث فرا علمی با دیدگاه های آفاقی عقلانی را پذیرفت. بدین معنی که فلسفه بعضاً محدوده ها و ضوابط علمی را نیز در می نوردد و گاهی با عقلانیت خاص خودش آنرا زیر سوال قرار میدهد، فلسفه شرط رعایت ضابطه های علمی را بعضاً در نظر نمی گیرد تا مباحث عقلانی از درخشش نگرش های آفاقی محروم نه ماند و همین است که راه را برای درستی و تکامل علوم باز میکند. فلسفه بعضاً با طرح پرسش هایش علوم را دعوت

میکند تا از خودشان بازنگری کنند. فلسفه عملیه خردورزی است با ابزار خرد، عقلانیت و استدلال که فضای بحث و گفتمان و در نهایت نقد معرفت را فراهم می سازد.

...و جنگ عمل یا مبارزه مسلحانه است که میان دو گروه اعم از دو گروه داخلی و یا دو گروه داخلی و خارجی و یا چند گروه بین المللی به منظور کسب اهداف سیاسی، اقتصادی و ایدیولوژیک به عمل می آید، بالاخره یک عمل سیاسی است و آن طور که می گویند "جنگ ادامه سیاست است به یک صورت دیگر.."

به این جهت "فلسفه" و "جنگ" به این گونه پیوند می خورند که جنگ به حیث یک پدیده سیاسی جامعه انسانی در زیر ذره بین فلسفه قرار می گیرد، یعنی در میز بحث فلسفه گذاشته می شود با این پرسش ها :

این جنگ که رخ داده است، می تواند چه آسیب های به عقلانیت و خرد انسانی وارد کند، چطور می توان خرد و عقلانیت و گفتمان انسانی را در دوران جنگ از آسیب های جنگی محافظت نمود و حضور و تداوم آنرا فراهم ساخت و در گفتمان ها عواقب ناگوار جنگ را بر قلمرو معنویت و عقلانیت انسان ها بر شمرد و حفاظت و مصئونیت عقلانیت و گفتمان انسانی را زنده، مستدام و فعال نگه داشت. با اهداف خاصی که فلسفه برای خرد و گفتمان تعیین میکند. به گفته کانت «فلسفه آزاد شدن از انقیاد ترس افکار و زمینه امکان گفت و گو با ابزار استدلال و گفتمان مدلل است...» در دوران جنگ فلسفه می تواند با طرح پرسش های پدیده جنگ یا جنگ های زمانش را زیر سوال قرار بدهد؛ چرا جنگ...؟؟ و چرا این جنگ با این خصوصیت و ماهیتش...؟؟ آیا جنگ همیشه و باز در زمان وقوع جنگ معین و مشخصی جز خصلت واقعی جامعه زمانش است...؟؟ و فلسفه با عنوان کردن همین پرسش ها هم جنگ را با افشای ماهیتش مورد تحقیق قرار میدهد و نیز با همین پرسشگری عقلانی و مستدل حضور و وجودش را اعلام و بازتاب میدهد، روشی که سیمون وی و سیمون دوبووار در جریان جنگ جهانی دوم به کار بردند، همین است که این دو بانو را با دو خانم دیگر مدافعان فلسفه در دوران جنگ می نامند.

یا گاهی چنین فهمیده می شود که جنگ در اندیشه و افکار فلاسفه چه پدیده ای بوده است؛ امانول کانت با اینکه جنگ را نمی پسندید، اما به هر صورت توصیه میکند که صلح دائمی ممکن نیست، اما می توان به آن خیلی نزدیک شد. هگل با آنکه صریحاً از جنگ حمایت نمی کند، اما از خصلت "متمدن کننده" جنگ توصیف می نماید.

درک و نظر فیلسوف فرانسوی – که نظرات شاعرانه او شهرت زیادی یافت - ژوزف دو مستره Joseph de Maistre (1753-1821) است نظرات او گاهی امروزی هم مورد توجه قرار میگیرد: «وقتی روح انسان نیروی خود را در اثر رفاه و بی ایمانی و گناه – که عوارض افراط در مدنیت است – از دست بدهد، تنها با ریختن خون می تواند نیروی دوباره به دست آورد، ثمرات حقیقی سرشت انسانی، هنر ها، علوم، فعالیت های شگفت انگیز، معانی بلند و فضیلت های مردانه، به خصوص در شرایط جنگ متبازل می شوند، انگار خون کود نهالی است که نبوغ نام دارد و این نبوغ در جنگ آفریده می شود. از آن خونی که جنگ می ریزاند. ارزش بی حد و حصری که به نظامیان "گرداننده گان جنگ" داده می شود به ما تلقین می گردد که جنگ در ذات خود یک امر ملکوتی قانون خلقت است...»

"نیچه" بی چون و چرا هواخواه جنگ است او در جا های زیادی از جنگ تحسین نموده است: «صلح را مانند ابزاری برای جنگ های جدید دوست داشته باشید و مدت های کوتاه را برای صلح برگزینید، انگیزه خوب، جنگ را مشروع می گرداند، ولی من (نیچه) معتقدم جنگ خوب، انگیزه را مشروع میگرداند، جنگ باید بی رحمانه و عاری از دلسوزی باشد. جنگ ها و تهور بسیار بیشتر از انسان گرایی منشأ تحولات بزرگ بوده است...» نگاه نیچه به جنگ انسان را به تعجب وامیدارد. این بود پژوهش و ارزیابی نگارنده این سطور از فلسفه و جنگ که در جمله مدعوی در کنفرانس حضور داشت

و اینک نگاهی به کنفرانس مربوط انداخته می شود:

"تیاثر ریشیلیو" پوهنتون سوربون پاریس فرانسه در 8 نوامبر 2025 محل برگزاری کنفرانس جالب علمی بود که به همت انجمن فرهنگی افغان ها بنام "آرمان" و انجمن حوزه فلسفه فرانسوی "اوپیوم Opium" تدارک دیده شده بود، این گردهمایی به مناسبت یادآوری از روز جهانی فلسفه زیر سرنامه «فلسفه در زمان جنگ la philosophie en temps de guerre» دایر گردید، سخنرانان این کنفرانس که همه از دانشگاهیان فرانسه، انگلستان، آلمان و افغانستان، از اندیشورزان در حوزه فلسفه بودند، مطالب ارزشمند علمی و پر محتوی را برای شرکت کنندگان تهیه دیده و ارائه نمودند. موقعیت و نقش فلسفه در زمان جنگ – به عنوان یک حوزه خیلی تیوریک و نظری - چه خواهد بود...؟؟ برای چنین پرسشی پاسخ های روشن و مؤجه در این کنفرانس مطرح و پاسخ های روشن و مشخصی برای آن دریافت گردید.

در آغاز "فرید شبان پور" فعال افغان نماینده انجمن آرمان و "انیس زمان" اهل الجزایر محصل رشته فلسفه گرداندگی کنفرانس را بر عهده گرفتند، فرید قطعه شعری دری را قرائت و سپس انیس به زبان فرانسوی نکته های فلسفی را متذکر شد که "فرانتس فانون" در اثر معروفش زیر عنوان "پوست سیاه نقاب های سپید" تألیف کرده بود و گمراهی دانشورزان جهان سومی را در پیروی شکلی، سطحی از رنگ جوامع پیشرفته انگشت می گذاشت، در حوزه فلسفه نیز از فانون یاد کرد که به صورتی از روش مقلدانه اندیشورزان نامبرده نقد به عمل می آورد.

سپس از داکتر نجیب الله جانباز استاد و حقوقدان برارنده افغان مقیم فرانسه دعوت به عمل آمد تا به حیث اولین سخنران کنفرانس بیانیه اش را ایراد کند. داکتر جانباز کنفرانسش را به زبان فرانسوی به بیان گرفت و گفت: "ما در دو قدمی یک عابده مهمی بنام پانتیون panthéon قرار داریم، در آنجا مردان بزرگ علم و هنر و فلسفه خوابیده اند مردان بزرگی مانند ویکتور هوگو آفریننده اثر جاودان "بینوایان"، رابرت بدینتر Robert Bedinter وزیر سابق عدلیه فرانسه و عضو شورای قانون اساسی این کشور که مبارزاتش را به خاطر حذف و منع مجازات اعدام به طور پیگیر ادامه داده بود — بنده افتخار شاگردی شان را دارم. از ژان فرانسوه دنیو، وزیر سابق خارجه فرانسه، اکادمیسین، شاعر و دوست مردم افغانستان و از رابرت شوومن Robert schuman که به حیث اندیشمند اروپا نکات اساسی را به جای جنگ و بدیل آن پیشنهاد نموده بود" مانند دیالوگ به جای تهدید، انگاشتن جانب مقابل به صفت همکار و نه دشمن، صلح به عوض انتقام، همکاری به جای خود بزرگ بینی، همبستگی به جای یکه تازی، وحدت به جای پراگندگی و... و یوسف شاهین سینماگر مصری هم در مورد بحران شرق میانه در توصیه ای به دیالوگ و گفتمان نوشته بود که "جانب مقابل را دوست بدارید و تفاوت ها را حرمت بگذارید".

در نهایت از میان اندیشمندان بزرگ اروپایی و فرانسوی از بانو "سیمون وی" یاد کرد که یکی از فعالان مهم فلسفه در دوران جنگ جهانی دوم بود. سیمون وی که وحشت و بربریت هولوکاست را به چشم سر دیده و در زمان فاجعه هیروشیما می زیست، اندیشیدن انسانی را در سیر کردن شکم گرسنگان پیوند میزد و در زمان جنگ فلسفه را موظف به خردورزی به انسان و انسانیت معطوف می دانست.

پس از داکتر جانباز "آنا لوگواردمیگویز" به زبان فرانسوی مطالب مهمی در باره نیاز به فلسفه در جوامع و نیز معرفی انجمن اوپیوم سخنرانی مبسوطی ارائه نمود.

خانم رازقه ادنان فیلسوف و جامعه شناس الجزایری به زبان فرانسوی سخنرانی علمی اش را زیر عنوان "تفکر متفکران جوامع اسلامی و وضعیت فلسفه ... " به عمل آورد، سخنرانی خانم ادنان یکی از سخنرانی های مهم پژوهشی علمی این کنفرانس بود که شیوه اندیشیدن در چهار مذهب اسلامی " حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی" را به مقایسه گرفته بود ؛ که چهار مذهب در نحوه نگاه خویش به رویداد های بشری و دنیوی اصول متنوعی را در نظر میگیرند، به جز مذهب حناف (مذهب حنفی امام ابوحنیفه رح که با نام امام اعظم رح نیز شناخته می شود) منابع دریافت احکام را به ترتیب قرآن مجید، احادیث پیغمبر اکرم ص و فیصله اجماع در نظر میگیرند. سه مذهب دیگر تصمیم اجماع – به حیث ایده آدم ها را در تصامیم نمی پذیرند، حتی بعضاً در تفسیر قرآن مجید، که توسط انسان صورت می پذیرد، نگاه خوشی نه دارند، آنها بیشتر به احکام قرآن مجید، احادیث پیغمبر اکرم ص و رویه ها و روایات صحابی صدر اسلام استناد می نمایند. در نهایت خانم استاد ادنان نتیجه میگیرد که در اندیشیدن مذاهب مذکور- به جز قسمأ مذهب حنفی - فلسفه موقعیت بسیار برجسته ای نه خواهد داشت.

سپیده بی رشک ایرانی الاصل دارای دکتورا در رشته فلسفه از پوهنتون فلسفه برلین کنفرانش به زبان فارسی ایراد نمود عنوان کنفرانس موصوف "محبت در تناقض با متافزیک رنج آور و نگاهی هستی شناسانه در باره جنگ" گزیده شده بود ، این سخنرانی بحث وسیع فلسفی در باب عشق، انسان گرایی و تفکر متافزیکی و شرح پدید آمدن جنگ را شامل می شد همچنان رابطه عشق و جنگ را زیر بحث قرار می داد که چگونه فقدان عشق و تقلیل حس انسان گرایی مسبب پدید آمدن جنگ میگردد. صحبت خانم بی رشک مورد توجه زیاد حاضران قرار گرفت.

آزاده کیان استاد جامعه شناسی، مدیر دیپارتمنت علوم اجتماعی و CEDREF پوهنتون پاریس، کنفرانش را زیر عنوان "تأریخ آشفته و جنجالی هواداران حقوق زن در افغانستان و ایران" به زبان فرانسوی ایراد کرد، این سخنرانی به صورت کامل حاوی تأریخ مختصر تلاش های آزادی خواهانه زنان دو کشور نامبرده و خطوط برجسته رویداد های نهضت آزادی زن در افغانستان و ایران را به توضیح گرفته بود که با دقت زیاد فراز و نشیب تلاش های زنان و بعضاً سرکوب و به عقب کشانی جریان آزادی زنان را در آن دو مملکت شرح میداد.

کایرا او کرول محصل در رشته فلسفه، زبان و ادبیات آکسفورد نیز سخنرانی اش را که تهیه کرده بود به زبان فرانسوی ایراد نمود.

جناب سید حسین اشراق افغان الاصل استاد و از آگاهان رشته فلسفه در سخنرانی اش بر نقش فلسفه - به ویژه نقش فلسفه میان فرهنگی - در نقد خشونت و احیای گفت و گوی انسانی تأکید نمود، او با بررسی تاریخی تعامل فرهنگ ها و باز خوانی میراث عقلانی شرق و غرب خاطر نشان ساخت که ریشه جنگ در ناتوانی فهم "دیگری" است و تنها از رهگذر گفت و گو، عقلانیت انتقادی و پذیرش تکثر می توان به صلح پایدار دست یافت. اشراق فلسفه را نیروی اخلاقی و رهایی بخش می داند که در برابر جهل، تعصب و سلطه، از امکان اندیشیدن و زیستن با "دیگری" پاسداری میکند. جناب اشراق سخنرانی اش را به زبان دری ایراد نمود.

لوسی بولی استاد فلسفه سخنرانی دلچسپ و با اهمیتی زیر عنوان نوشته به یاد ماندنی سیمون دوبوار را به مثابه یک اندیشه بنیادی «تجربه جنگی که رخ داده است» ارائه کرد؛ لوسی فلسفه وسعت وجودی و ارزش های اخلاقی و سیاسی را که در این اثر دوبوار مطرح شده بود، زیر تحلیل قرار داد و در باره رابطه اخلاق و فلسفه موارد مشخصی را ردیف نمود و پیرامون فلسفه "سیمون دوبوار در دوران جنگ جهانی دوم متذکر شد که دوبوار یکی از آن زنانی بود که در زمان جنگ مصدر خدمت به فلسفه گردیده اند زنانی که در گرماگرم نبرد فلسفه را زنده نگه داشتند و بر خلاف ژان پل سارتر - که در انقیاد "من égo" گرفتار بود - دوبوار برون گرا و فراخ می اندشید و اخلاق را در جمع و فراتر از یک "من" نگاه میکرد.

از سخنان حسین دباخی: انکشاف و تحولات گیج کننده تکنولوژی که باعث ارتقای لامحدود ابزار های جنگی گردیده است این وضعیت قواعد و معادلات قبلی در باره توضیح حالت صلح و حالت جنگ را ناتوان و ضعیف نشان میدهد. توضیح کاربرد متداوم و هر لحظه یی پهباد ها مرز میان این دو حالت جنگ و صلح را فرو ریخته است فقدان رعایت اصول بین المللی جنگ و بی اعتبار سازی قواعد و ضوابط حافظ انسانیت هنوز وضعیت را برخلاف مصونیت انسان و حفظ ارزش های آن تغییر داده است. در باره طیارات بدون سرنشین و دایمی شدن جنگ و موقعیت جنگ به مثابه یک اتفاق روزمره و متداوم حذف مرز میان صلح و جنگ، حذف و تضعیف جدی حقوق اساسی انسان در تحولات ابزار های جدید در حوزه جنگ، وظایف فلسفه در دوران جنگ تأمین مصونیت روان و معنویات انسان در برابر آسیب های جنگ خواهد بود، جنگ همزمان که در عمل و فزیک متعرض و مهاجم است به خرد عقلانیت و اندیشگی انسان نیز هجوم می آورد، لذا فلسفه اندیشمندان را به مقاومت و دفاع معنوی انسانیت فرا می خواند و بدون حمایت دفاع و مقاومت نمی توان به صلح در

حوزه معنوی دست یافت پس هدف نهایی فلسفه در زمان جنگ فراخوانی برای تحقق صلح در عمل و در اندیشه می باشد. بیانیه استاد دباخی به صورت ویدیو کنفرانس از لندن ایراد گردید. نتیجه اینکه: سخنرانی ها و بیانیه های سخنرانان در سطح عالی و اکادمیک قرار داشت که هم اندیشه ها و آموزه های استادان و دانشمندان قدیم حوزه فلسفه مانند افلاطون، ارسطو و از حوزه شرق از ابن خلدون، امام ذکریای رازی و نیز از فلاسفه دیگر مانند سارتر، سیمون دبووار، فرانتس فانون و دیگران یاد شد.

اندیشیدن به صلح و همدیگر پذیری طرف های درگیر در زمان جنگ گفتمان و مذاکره برای حفظ انسانیت و معنویت آن از ارجحیت های فلسفه در دوران جنگ تشخیص گردید. رعایت اخلاق و ارزش های والای جامعه بشری و عشق و مهر در مضامین اساسی فلسفه در دوران جنگ ردیف شد. مقاومت فلسفه و استدلال و مدلل گردانی رویه ها در زمان جنگ که پیشگامان آن سیمون وی و سیمون دبووار بوده اند، به صورت درشت خاطر نشان گردید. برنقش فلسفه میان فرهنگی در نقد خشونت و احیای گفت و گوی انسانی تأکید به عمل آمد، موقعیت و جایگاه فلسفه در مذاهب مبارک اسلامی به معرفی گرفته شد. بنابر تحول و انکشاف ابزار های جنگی ضرورت باز تعریف حالت جنگ و حالت صلح به عنوان یک موضوع پژوهشی مطرح گردید. به این ترتیب شرکت کننده گان در مجلس دستاورد کنفرانس را رویهمرفته خوب و مفید یافتند.

در اخیر کنسرت جالبی از سوی محصلان رشته فلسفه اجرا گردید که پارچه ها، اشعار و سروده ها همه به جنگ و بربادی های که به دنبال دارد و مقاومت انسان ها در امتناع از شرکت در جنگ های انسان خوار، محافظت از انسان و خردورزی اش پیام روشن در سروده ها شنیده و درک می گردید که رعایت تاپیک کنفرانس را در کنسرت به وضاحت متباز می ساخت. برای کنسرت آهنگ های نفی جنگ و بحران و نفی اختلال در اندیشیدن و تفکر آدم و ترویج عقلانیت برگزیده شده بود که خیلی ها مورد توجه و دلچسپی حاضرین قرار گرفت.

پایان